

ولایت فقیه برای مسلمین یک هدیه ای است که خدای تبارک و تعالی داده است.

«امام خمینی (ره)»

پاسخ به شبهات پیرامون ولایت فقیه

۱- **القای مسئله دور مبنی بر اینکه ولی فقیه شورای نگهبان را انتخاب می کند و شورای**

نگهبان صلاحیت کاندیداهای مجلس خبرگان رهبری را تأیید می کند و سپس مجلس خبرگان،

رهبری را تعیین می کند، چگونه قابل دفاع می باشد؟

اولاً: رهبری فقط ۶ نفر فقهای شورای نگهبان را طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی منصوب می کند و ۶

نفر حقوقدان شورای نگهبان طبق اصل ۹۱ قانون اساسی بوسیله رئیس قوه قضائیه انتخاب و برای

تأیید به مجلس شورای اسلامی معرفی می شوند.

ثانیاً: طبق اصل ۱۰۸ قانون اساسی، شورای نگهبان، تنها برای نخستین دوره خبرگان، شرایط را مشخص می کند و پس از آن هر گونه تغییر و تجدید نظر در قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خبرگان است. در حال حاضر شورای نگهبان از طرف رهبری هیچگونه وظیفه ای برای تأیید صلاحیت کاندیداهای مجلس خبرگان رهبری ندارند.

ثالثاً: خود مجلس خبرگان رهبری بمنظور استفاده از تجربیات فقهای شورای نگهبان، طبق آئین نامه داخلی خود، تأیید صلاحیت کاندیداهای خبرگان رهبری را به فقهای شورای نگهبان تفویض نموده و می تواند آنرا پس گرفته و به هر مرجعی که صلاح می داند، واگذار نماید. پس مسئولیت تأیید صلاحیت کاندیداهای مجلس خبرگان رهبری را رهبری به شورای نگهبان نداده که دور صورت گیرد بلکه خود مجلس خبرگان این مسئولیت را تفویض کرده که می تواند پس بگیرد. با توجه به موارد مستند فوق الذکر، شبهه دور از ریشه غلط و چنین موردی وجود خارجی ندارد.

۲- چرا صلاحیت اعضای مجلس خبرگان رهبری را مراجع به جای شورای نگهبان تأیید نمی کنند؟

تصمیم در این مورد در اختیار مجلس خبرگان رهبری است که باید آنرا طرح و سپس تصویب و اجرایی نمایند. طبق قانون اساسی تأیید صلاحیت اعضای مجلس خبرگان رهبری اصلاً بعهده شورای نگهبان گذاشته نشده و این اختیار را خود مجلس خبرگان به شورای نگهبان تفویض نموده است. مرحوم آیت ... مشکینی ریاست وقت مجلس خبرگان رهبری علت اینکه تأیید صلاحیت خبرگان را به شورای نگهبان واگذار کرده اند نه مراجع بخاطر این بود. که خود مراجع و فقهای بنام با مراجعه کاندیدها به آنها برای گرفتن تأیید اجتهاد بعضاً در معذورات اخلاقی حتی فشار قرار می گرفتند و خود آنها از مجلس خبرگان درخواست کردند که تأیید صلاحیت اجتهاد کاندیدها را به نهاد دیگری بدهند که معذورات نداشته و تحت فشار قرار نگیرند. لذا پس از بررسی همه جانبه در مجلس خبرگان رهبری، باتفاق آرا تصمیم گرفتند، تأیید صلاحیت کاندیداهای خبرگان رهبری را به فقهای شورای نگهبان واگذار نمایند. در حال حاضر هم خود مجلس خبرگان رهبری می توانند، مرجع تأیید صلاحیت خبرگان را از شورای نگهبان گرفته، به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم یا مراجع تفویض نمایند. در دوره اول خبرگان، رایزنی برای دریافت تأییدیه اجتهاد تبدیل به معضلی شده بود که هم برای مراجع نازاحت کننده بود و هم کسانی تأییدیه دریافت کرده بودند که مجتهد نبودند لذا تأییدیه از مراجع طبق آئین نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری لغو و به شورای نگهبان تفویض شد.

۳- جریان ولایت فقیه کشفی به چه معنا می باشد؟

از آنجائیکه در عصر غیبت باید رهبری جامعه اسلامی به کسی سپرده شود که شرایط لازم را طبق معیارهای ارائه شده توسط ائمه معصومین که در قانون اساسی آمده را داشته باشد. و از طرفی عامه مردم چون فقیه نیستند نمی توانند، فقیه شناس آنهم با شرایط و صفات ارائه شده توسط معصومین باشند، طبق اصول ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون اساسی، مجلس خبرگان رهبری متشکل از فقهای انتخابی مردم در سراسر کشور تشکیل، درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکم و نهم قانون اساسی بررسی و مشورت می کنند تا کسی را که شرایط لازم و کافی رهبری را داراست، کشف و به مردم معرفی نمایند، اصلاً فلسفه ذاتی تشکیل مجلس خبرگان رهبری، کشف کسی است که صلاحیت لازم را برای رهبری نظام اسلامی داراست، وقتی آنرا کشف و به مردم معرفی نمودند، طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی: رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت های ناشی از آن را برعهده خواهد داشت.

۴- نصب خاص و عام به چه معنا می باشد و نصب ولی فقیه عام است یا خاص؟

نصب خاص به این معنا می باشد که کسی با نام و مشخصات کامل از طرف خداوند متعال، پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین به نبوت و امامت منصوب شده باشد. برای مثال، پیامبر خدا (ص) از طرف خداوند متعال بصورت خاص به نبوت منصوب شده است و علی (ع) در غدیر خم توسط پیامبر اکرم (ص) بصورت خاص به امامت منصوب شده است و ائمه معصومین علیهم السلام جمعاً با نصب خاص به امامت منصوب شده اند، در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام افراد خاصی برای کارهای معین منصوب شده اند، برای نمونه در سال آخر هجرت، اسامه ابن زید ابن حارثه از طرف رسول خدا (ص) به فرماندهی لشکر اسلام منصوب شدند یا نواب اربعه امام عصر (عج) در عصر غیبت صغرا با نصب خاص امام زمان (عج)، رابط امام (ع) با مردم بودند.

در عصر غیبت کبری، دوران نصب عام ولایت و رهبری فقها فرا می رسد، در این عصر شرایط ولایت و رهبری توسط ائمه معصومین (ع) تشریح می شود منتهی اسم فرد خاصی ذکر نمی گردد بلکه هر کس آن شرایط مثل تقوی، علم به حلال و حرام و عدالت را داشته باشد، توصیه شده از آنها پیروی کنید. امام صادق (ع) به ابی خدیجه مأموریت می دهد تا به شیعیان این پیام را برساند که در نزاهتها و اختلافات (به فقها رجوع کنند) فانی قد جعلته علیکم قاضیاً - زیرا من او را قاضی قرار دادم. یا امام صادق (ع) به عمر بن حنظله در همین رابطه می فرمایند:

فانی قد جعلته علیکم حاکماً - همانا من او را حاکم شما قرار دادم.

مشاهده می کنید که فقهای جامع الشرایط هر عصری، با نصب عام بعنوان حاکم و قاضی معرفی می شوند. البته طبق فرموده امام حسن عسکری (ع)، همه فقها نمی توانند مرجع و ولایت داشته باشند بلکه کسانی صلاحیت این امر را دارند که: «هر یک از فقها که نقش خویش را (در برابر گناه و خواری) حفظ کند و حافظ دین خویش بوده، با هوای نفس خود مخالفت ورزد و مطیع امر مولای خود باشد، بر عوام است که از او تقلید کنند.» در ادامه می فرماید: «بعض فقهای شیعه لا جمیعهم - بعضی از فقهای شیعه نه همه آنها» صلاحیت نصب عام را دارند.

ولی فقیه در عصر غیبت با نصب عام، نیابت امام عصر (عج) را داراست. در ادامه روایت عمر بن حنظله از امام صادق (ع) نقل شده است: «پس اگر او (فقیه جامع الشرایط) طبق دستور ما حکم داد و یکی از آنها (متخاصمین) نپذیرفت، حکم خدا را سبک شمرده، و ما را رد کرده است و آن کس که ما را رد کند، خدا را رد کرده و این در حد شرک به خداست»

۵- ولایت فقیه انتخابی است یا انتصابی؟

با توجه به بررسی نصب خاص و عام، مشخص شد که ولایت فقیه در عصر غیبت انتصابی است و این نصب عام و از طرف امام معصوم (ع) صورت می گیرد، فلسفه وجودی مجلس خبرگان رهبری این است که کسی که شرایط نصب از طرف امام معصوم را داراست، کشف و به مردم معرفی نمایند. البته ولایت فقیه در طول ولایت معصوم است نه در عرض آن، یعنی نصب زمانی معنا دارد که رابطه طولی (ولی فقیه، امام معصوم، پیامبر اکرم - پروردگار عالم) بر آن حاکم باشد و ولی فقیه تبع آنها باشد نه در عرض. برای نمونه امام خمینی رضوان الله تعالی می فرمایند: «قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشند، ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده، همان ولایت رسول الله است - ولایت فقیه از اول تا حالا بوده، زمان رسول الله تا حالا بوده - ولی امر حجت خداست - ولایت فقیه برای مسلمین یک هدیه ای است که خدای تبارک و تعالی داده است - (کلمات قصار امام خمینی)

حضرت آیت ... جوادی آملی در این زمینه می فرماید: «مجلس خبرگان فقط خبره تشخیص انتصاب فقیه یا انعزال است، نه سبب نصب یا موجب عزل، هرگز زمامدار اسلامی، از طرف مردم یا خبرگان، منصوب یا معزول نمی گردد - کتاب ولایت فقیه»

۶- موضوع مشروعیت و مقبولیت ولایت فقیه را توضیح دهید.

مشروعیت ولی فقیه یعنی اذن شارع مقدس، کسی که با نصب عام امام معصوم، مسئولیت رهبری را بعهد می گیرد باید شرایط و صلاحیت لازم اسلامی را داشته باشد، در مفاهیم غربی، مشروعیت یعنی فعل قانونی و رضایت عامه مردم. مقبولیت یعنی، ولی فقیه باید در کنار مشروعیت الهی، پشتوانه و اقبال مردمی هم داشته باشد تا در تشکیل حکومت و کارآمدی بتواند موفق باشد. در بحث مشروعیت و مقبولیت، حق الله و حق الناس کاملاً مورد توجه قرار گرفته است. بعضی که القاء می کنند در حکومت اسلامی، رای مردم زینتی است کاملاً در اشتباه می باشند، رای مردم انقدر ارزش دارد که بدون این پشتوانه مردمی، نبوت، امامت و ولایت نمی توانند تشکیل حکومت دهند اگرچه از طرف خداوند به نبوت و امامت و ولایت به نصب خاص یا عام به رهبری رسیده باشند. برای نمونه پیامبر اکرم (ص) در حالی که منصوب خاص شارع مقدس بود در مکه بخاطر اینکه از پشتوانه مردمی برخوردار نبود نتوانست تشکیل حکومت دهد منتهی وقتی به مدینه هجرت نمود و مقبولیت عامه حاصل شد، تشکیل حکومت داد یا علی (ع) ۲۵ سال خانه نشین شد در حالی

که استخوان در گلو و خار در چشم داشت منتهی وقتی مردم به ایشان اقبال نشان دادند، تشکیل حکومت داد در عصر امام وضع به همین صورت است. حکومت ایده آل اسلامی زمانی تحقق می یابد که مشروعیت الهی با مقبولیت مردمی همراه شود. با حضور ولی فقیه مشروع، نظام و حکومت اسلامی مشروعیت پیدا می نماید، وگرنه مورد قبول شارع مقدس نخواهد بود. امام راحل خمینی کبیر (ره) در این رابطه فرموده اند: «به حرفهای آنهايي که برخلاف مسیر اسلام هستند و خودشان را روشنفکر حساب می کنند و می خواهند ولایت فقیه را قبول نکنند، گوش ندهید، اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است. یا خدا یا طاغوت، یا خداست یا طاغوت، اگر به امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است، وقتی غیر مشروع شد، طاغوت است، اطاعت او، اطاعت طاغوت است، وارد شدن در حوزه او وارد شدن در حوزه طاغوت است، طاغوت وقتی از بین می رود که بامر خدای تبارک و تعالی یک کسی نصب بشود، ولایت فقیه تبع اسلام است - صحیفه نور ج ۹ ص ۲۵۳»

۷- اعمال مشروعیت ولی فقیه در حکومت اسلامی چگونه صورت می گیرد؟

طبق اصل ۱۷۷ قانون اساسی مشروعیت قانون اساسی با امضا و تأیید مقام رهبری صورت می گیرد. طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، مشروعیت قوه قضائیه با نصب عالی ترین مرجع قضائی توسط رهبری، مشروعیت قوه مجریه با تأیید صلاحیت ریاست جمهور توسط شورای نگهبان و تنفیذ حکم ریاست جمهوری، مشروعیت قوه مقننه با تأیید صلاحیت نمایندگان و تأیید مصوبات آنها توسط شورای نگهبان صورت می گیرد و طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی فرماندهی کل نیروهای مسلح با رهبری است که با نصب فرماندهان نظامی و انتظامی مشروعیت اعمال می شود.

۸- آیا کسی که سمت ولایت فقیه به او می رسد، مادام العمر در آن سمت باقی می ماند؟

خیر، طبق اصل ۱۰۹ قانون اساسی، ولی فقیه تا زمانی در سمت خود باقی می ماند که شرایط و صفات لازمه را داشته باشد. از آنجائیکه تمامی اصول قانون اساسی دارای مبانی فقهی است، شرایط و صفات رهبری از دل آیات قرآن و روایات اسلامی در نظر گرفته شده، ولی فقیه تا زمانی که این شرایط را داشته باشد می تواند در آن سمت باقی بماند، چنانچه شرایط و صفات لازم را از دست بدهد طبق اصل ۱۱۱ از مقام خود برکنار خواهد شد.

۹- می توان ولایت فقیه را موروثی نمود؟

ولی فقیه یعنی کسی که شایسته رهبری است و با دارا بودن صفات و شرایط لازم، اشبه ترین افراد به معصوم می باشد. چنانچه فرزند ولی فقیه با تأیید مجلس خبرگان رهبری، تمامی شرایط، صفات و شایستگی لازم رهبری را داشته باشد منعی ندارد منتهی بدون داشتن شرایط و صفات و شایستگی لازم هیچکس نمی تواند در سمت ولایت فقیه قرار گیرد. چنانچه بدون شایستگی لازم، ولایت فقیه موروثی شود، نه تنها مشروعیت نداشته بلکه حکومت را هم از مشروعیت می اندازد. ولایت فقیه ارث نیست که به هر کسی تعلق گیرد، این سمت را به بهانه به کسی واگذار نمی کنند بلکه به بهاء می دهند و بهای آن شایستگی است آنهم بگونه ای که بتواند لیاقت نصب عام امام عصر (عج) را پیدا نماید. برای نمونه، بعضی از ائمه معصومین (ع)، هر کدام فرزندان بسیاری داشتند و هر کدام که شایستگی لازم را داشتند با نصب خاص به امامت می رسیدند، پس ولایت فقیه موروثی نیست، شایسته سالاری در این سمت حرف اول را می زند و فارغ از شایستگی، نمی تواند مشروعیت پیدا نماید حتی اگر با مقبولیت همراه باشد. امام راحل (ره) در این رابطه فرموده اند: «اسلام برای آن کس که سرپرستی برای مردم می خواهد بکند، ولایت بر مردم دارد یک شرایطی قرار داده است که وقتی یک شرطش نباشد، خود به خود ساقط است، تمام است، دیگر لازم نیست که مردم جمع بشوند، اصلاً خودش هیچ است - صحیفه نور ج ۳ ص ۱۴۱»

۱۰- اختیارات ولی فقیه محدود است یا مطلقه؟

امام راحل و فقید (ره) می فرمایند: «همین ولایتی که برای رسول اکرم (ص)، و امام در تشکیل حکومت و اجرا و تصدی اداره هست برای فقیه هم هست - این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم (ص)، بیشتر از حضرت امیر (ع) بود، یا اختیارات حکومتی حضرت امیر (ع) بیش از فقیه است غلط و باطل است - کتاب ولایت فقیه ص ۵۵-۵۷»

البته در اینجا بحث فضائل معنوی نیست چرا که هیچکس به پای رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) نمی رسد، بلکه در اجرای احکام الهی فرق بین، رسول اکرم (ص)، امام معصوم (ع) و ولی فقیه نمی باشد، همه آنها مجری فرامین الهی هستند، برای مثال اگر قرار است در اجرای فرمان الهی به کسی ۷۵ ضربه شلاق بزنند، رسول اکرم (ص)، امام معصوم (ع) و ولی فقیه هر سه باید یکسان عمل کنند، هیچگاه نمی گوئیم رسول خدا (ص) ۷۵ ضربه بزند، امام معصوم (ع) ۶۰ ضربه و ولی فقیه ۴۰ ضربه، حکم یکی است و آن فرمان الهی است که باید اجرا شود.

محدود کردن اختیارات ولی فقیه یعنی اجرا نکردن بعضی از احکام و فرامین الهی؟! البته اختیارات مطلقه به این معنا نمی باشد که ولی فقیه هر کاری که دلش خواست انجام دهد، اختیارات او در چهارچوب احکام و دستورات اسلامی صورت می گیرد و فارغ از هوا و هوس بوده و مطیع محض پروردگار عالم است.

۱۱- ولایت فقیه در قانون است یا بر قانون؟

اگر منظور قوانین اسلام شامل (قرآن، سنت، عقل، اجماع) است در قانون است آنهم منطبق با نظریه امام راحل (ره) که می فرمایند: «حکومت که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله (ص) است، یکی از احکام اولیه اسلام و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است، حاکم می تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند، حاکم می تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضرار باشد در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند - صحیفه نور ج ۲۰ ص ۱۷۰»

اگر منظور قانون اساسی است، طبق اصل ۱۷۷ قانون اساسی وقتی به تأیید و امضای ولی فقیه رسیده برای ولی فقیه حکم فتوی داشته، لازم الاجرا می باشد و طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی، رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است منتهی اختیار ولی فقیه محدود به آنچه در قانون اساسی آمده نیست و فراتر از آن است، برای نمونه بحث مرجعیت ولی فقیه، شورای عالی انقلاب فرهنگی، دادگاه ویژه، روحانیت، نصب ائمه جمعه و... در قانون اساسی نیامده و لازم است ولی فقیه در همه این موارد وارد شده، اعمال مشروعیت بر آنها نماید. امام راحل و فقید (ره) در این رابطه می فرمایند: «اینکه در این قانون اساسی یک مطالبی ولو به نظر من یک قدری ناقص است و روحانیت بیشتر از این در اسلام اختیارات دارد و آقایان برای اینکه خوب دیگر خیلی با این روشنفکرها مخالفت نکنند یک مقداری کوتاه آمدند. اینکه در قانون اساسی هست، این بعضی شؤون ولایت فقیه هست نه همه شؤون ولایت فقیه، و از ولایت فقیه آنطور که اسلام قرار داده است به آن شرایطی که اسلام قرار داده است، هیچ کس ضرر نمی بیند - صحیفه نور ج ۱۱ ص ۱۳۳»

۱۲- آیا کلیه فقها بر امور ولایت دارند؟ حیطة اختیارات آن تا کجاست؟

ولایت دارند منتهی چنانچه یکی قیام نمود و تشکیل حکومت داد، دیگر فقها باید او را یاری داده و از او پیروی نمایند. برای نمونه در حکومت اسلامی که در رأس آن ولی فقیه قرار گرفته، همه باید او را یاری نموده در احکام حکومتی از او پیروی نمایند، حیطة اختیار آنها تا جایی است که در برابر ولی فقیه قیام نکرده، احکامش را نقض نکنند و در امور حکومتی از او پیروی نمایند، چنانچه هر فقیه‌ای در حکومت اسلامی برای خود ولایت قائل باشند و هر کدام به نظر خویش بخواهند اعمال ولایت کنند، فلسفه تشکیل حکومت نفی و نقض شده، سنگ روی سنگ بند نمی شود و نظم حکومت به هم می ریزد. فلسفه ذاتی مجلس خبرگان رهبری این است که فقهای سراسر کشور جمع شده، یک فقیه جامع الشرایط را شناسائی و معرفی نمایند تا همه در امور حکومتی از او تبعیت نموده تا شیرازه حکومت منسجم و برپا بماند. حتی فقها و مراجع در امور حکومتی باید تابع ولی فقیه باشند، فقه حکومتی برای جلوگیری از اختلاف نظرها می بایست بر مبنای فتوی و دیدگاههای ولی فقیه مدنظر قرار گیرد.

۱۳- جریان قرائتهای مختلف از ولایت فقیه به چه منظوری تبلیغ می شود؟

طراح قرائتهای مختلف محسن کدیور می باشد، چون نظرات امام راحل (ره) که معتقد به ولایت انتصابی بوده و مبنای قانون اساسی قرار گرفته را قبول نداشته و نظر انتخابی بودن ولایت آیت... منتظری را قبول داشته، به اسم قرائتهای مختلف از ولایت فقیه به صحنه آمد تا از اعتبار، صلاحیت و اقتدار قرائت امام راحل (ره) از ولایت فقیه که مبنای قانون اساسی و تشکیل حکومت اسلامی است بکاهد. ممکن است در طول تاریخ فقهای بزرگوار هر کدام قرائتی از ولایت فقیه داشته باشند که در جای خود قابل احترام است، اما مردم ایران اسلامی، تنها یک قرائت از ولایت فقیه را پذیرفتند آنهم قرائت امام خمینی (ره) بوده و بس، این قرائت را مبنای قانون اساسی و تشکیل حکومت اسلامی قرار داده و به آن پایبند می باشند، مخدوش معرفی کردن این قرائت نه وجاهت شرعی دارد و نه قانونی.

۱۴- آیا ولی فقیه باید مرجع تقلید هم باشد؟

با توجه به شرایطی که برای ولی فقیه در نظر گرفته شده، هر ولی فقیه‌ای می تواند مرجع تقلید هم باشد منتهی هر مرجع تقلیدی نمی تواند ولی فقیه باشد. در قانون اساسی قبل از بازنگری، ولی فقیه می بایست از میان مراجع گزینش شود که پس از بازنگری به فرمان امام خمینی (ره) این محدودیت برداشته شده است.

در این رابطه امام خمینی رضوان... تعالی خطاب به مرحوم حضرت آیت... مشکینی رئیس مجلس خبرگان رهبری وقت می فرمایند: «من از ابتدا معتقد بودم و اصرار داشتم که شرط مرجعیت لازم نیست، مجتهد عادل مورد تأیید خبرگان محترم سراسر کشور کفایت می کند. صحیفه نور ج ۲۱ ص ۱۲۹

ولی فقیه مورد تأیید خبرگان رهبری سراسر کشور، می تواند مرجع تقلید هم باشد منتهی در قانون اساسی مرجعیت شرط ولایت فقیه نمی باشد. پس از رحلت امام راحل و فقیه (ره) جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مقام معظم رهبری را بعنوان مرجع مسلم معرفی کردند، منتهی خلوص نیت و صفای باطن مقام معظم رهبری عامل شده تا کنون رساله فارسی خود را در داخل کشور به چاپ نرساند و تنها برای مسلمانان خارج از کشور رساله چاپ نماید. سلوک معنوی مقام معظم رهبری بگونه ای است که تا کنون حتی یک گام برای ترویج مرجعیت خود بر ندارد حتی به دوستان و نزدیکان خود سفارش نموده که حق ندارید، نسبت به تبلیغ و ترویج مرجعیت و توزیع رساله عملیه گام بردارید. از آنجائیکه جمع زیادی از مقلدین امام خمینی رضوان... تعالی علیه می خواستند بر تقلید خود از امام راحل (ره) باقی بمانند و نیاز به اذن بقاء از مرجع حی داشتند، مقام معظم رهبری فتوای اذن بقاء بر تقلید از امام راحل (ره) را صادر نمودند تا یکبار دیگر عشق و ارادت خود را به روح خمینی کبیر (ره) به نمایش بگذارند. علی رغم پرهیز از مرجعیت در داخل کشور، میلیونها نفر از مردم ایران بر اساس وظیفه و تکلیف شرعی خود، به ایشان رجوع نموده، از طرق مختلف بر مبنای فتوای ایشان عمل می کنند. در فقه شیعه، رضایت مرجع شرط تقلید نبوده، هر کس بر اساس تکلیف، رهبری را اعلم و جامع می داند می تواند از ایشان تقلید و بر مبنای فتوای ایشان عمل نماید.

۱۵- ولایت فقیه، حیظه فعالیتش صرفاً داخلی است یا می تواند در خارج از کشور هم اعمال ولایت کند؟

از آنجائیکه اسلام یک دین جامع و کامل و جهانی است و محدود به مرزهای جغرافیائی، خونی، خاکی و نژادی نیست، اگر چه تشکیل حکومت اسلامی ایران طبق قوانین بین الملل بصورت داخلی تحقق پیدا نموده منتهی دفاع و حمایت از مسلمین جهان، مستضعفین عالم و برائت از دشمنان و ستمگران عالم در صدر آرمانهای انقلاب اسلامی در خارج از مرزهای ایران اسلامی جزو اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی و رهبری نظام اسلامی بوده و هست. این اهداف علاوه بر اینکه مبنای قرآنی داشته و توصیه اهل بیت عصمت و طهارت می باشد، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بخوبی گنجانده شده است. برای نمونه اعلام روز قدس و حمایت از آرمانهای فلسطین توسط امام راحل و سپس مقام معظم رهبری و مردم شریف ایران اسلامی بخوبی نشان می دهد، رهبری نظام اسلامی جنبه جهانی داشته، هر کجای جهان مسلمان آزاده و مظلومی زندگی می کند مورد حمایت رهبری نظام اسلامی است، فتوای قتل سلمان رشدی توسط امام راحل (ره) در حالی که سلمان رشدی تبعه انگلیس بوده و صدها نمونه دیگر نشان می دهد، آرمانهای الهی را نمی توان محدود به مرزهای ایران دانست و انعکاس صدای انقلاب اسلامی ایران می بایست در جهان طنین انداز شود و خواب راحت را از قدرتهای ستمگر و زورگوی عالم ربوده، سنگرهای کلیدی جهان را فتح، ابهت پوشالی قدرتهای ستمگر را شکست و از آنها برائت جست به تعبیر امام راحل (ره): اگر دشمنان در برابر دین ما بایستند ما در برابر تمامی دنیای آنها خواهیم ایستاد. اکثریت طرفداران ایران اسلامی که در خارج از ایران زندگی می کنند سنی مذهب بوده و در سراسر جهان پراکنده می باشند. صدور فرهنگ اسلامی با هیچکدام از نظامهای حقوق بین الملل مغایرت ندارد و می توان با احترام و حفظ استقلال و حاکمیت کشورها، به وظیفه الهی اطلاع رسانی و صدور انقلاب فرهنگی با راهنمایی و هدایت رهبری نظام اسلامی کوشش نمود، کاری که در طول سی ساله انقلاب اسلامی با عمل زینت داده شده بهترین دلیل این مدعا می باشد.

۱۶- آیا ولی فقیه حتماً باید ایرانی باشد؟

چنانچه معتقد به ولایت انتخابی باشیم، چون این انتخاب در حیظه کشور ایران صورت می گیرد، رهبر منتخب می بایست ایرانی باشد تا انتخابات داخلی معنا پیدا نماید. چنانچه معتقد به ولایت انتصابی باشیم، چون این انتصاب عام از سوی ائمه معصومین صورت می گیرد، می تواند حوزه نفوذش در سراسر جهان باشد، پس هر کسی که شایسته تر است در هر کجای جهان که باشد می تواند، ولایت پیدا نماید منتهی فرد شایسته ولایت و رهبری غیر ایرانی می بایست به ایران اسلامی انتقال یابد تا هم در دسترس باشد و هم بتواند ضمن هدایت حکومت اسلامی ایران، ایران را تبدیل به ام القرای اسلام نماید. البته چون حکومت شیعه در جهان در ایران تحقق پیدا نموده و دارای قانون اساسی است که باید مو به مو اجرا شود، مجلس خبرگان رهبری طبق قانون اساسی مرجع این تشخیص خواهد بود، در قانون اساسی و آئین نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری، منعی برای غیرایرانی بودن ولی فقیه مشاهده نشده، چنانچه فرد شاخص و شایسته ای از فقهای نامدار شیعه در جهان وجود داشته باشد، به ایران انتقال و رهبری را بعهده می گیرد. سالیان سال اکثریت مردم

ایران مقلد حضرت آیت العظمی حکیم بودند که ایرانی نبوده و عرب عراقی بود. اصلاً مگر می توان ائمه اطهار را که جملگی عرب بوده، حتی نصب ولی فقیه توسط آنها صورت می گیرد را محدود به مرزهای جغرافیائی ایران دانست؟

برخلاف شرط ایرانی الاصل بودن ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس و شوراهای اسلامی و... نسبت به رهبری که با نصب عام توسط امام معصوم (ع) ظهور و نیابت عام امام عصر (عج) را بعهدہ دارد نمی توان روی ایرانی یا غیر ایرانی بودن متمرکز شد بلکه باید بدنبال شایسته سالاری بود و قانون که مبنای فقهی و شرعی دارد این محدودیت را نپذیرفته منتهی به هر حال مرجع تشخیص مجلس خبرگان رهبری است.

۱۷- آیا سیستمی وجود دارد که بر کارها و فعالیتهای ولی فقیه نظارت داشته باشد؟

طبق اصل ۱۱۱ قانون اساسی و آئین نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری که طبق اصل ۱۰۸ قانون اساسی به تصویب رسیده است، یک گروه از فقهای فهیم و فکور عضو مجلس خبرگان رهبری توسط خود اعضای مجلس خبرگان رهبری انتخاب و مستمراً بر عملکرد ولی فقیه نظارت داشته، طی جلسات و بررسیهای لازم به مجلس خبرگان گزارش می دهند که رهبری همچنان شرایط و صفات لازم رهبری را دارد یا خیر. از خصوصیات این گروه ناظر طبق آئین نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری این است که هیچکدام نمی بایست، منصوب ولی فقیه باشند مثل فقهای شورای نگهبان، ائمه جمعه، ریاست قوه قضائیه و... علاوه بر اینگونه نظارتها، طبق اصل ۱۴۲ قانون اساسی، دارای رهبر، همسر و فرزندان ایشان قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد و طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی، رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است. گروه نظارت کننده مجلس خبرگان رهبری می تواند از دستگاههای زیر مجموعه ولی فقیه که با نصب ایشان مشروعیت پیدا می نمایند، تحقیق و تفحص نموده و گزارش خود را بصورت مکتوب برای تصمیم در اختیار مجلس خبرگان رهبری قرار دهند.

۱۸- آیا اعضای مجلس خبرگان رهبری که ولی فقیه جامع شرایط را کشف و برای رهبری معرفی می کنند، خود هم باید از ولی فقیه اطاعت کنند؟

چون اعضای مجلس خبرگان رهبری خود مجتهد می باشند در نظر اجتهادی و فتوی نمی توانند از کس دیگری تقلید کنند منتهی در امور حکومتی و نظامات سیاسی و اجتماعی تا زمانی که ولی فقیه، دارای صفات و شرایط رهبری است می بایست از ولی فقیه زمان تبعیت و اطاعت نمایند. مجلس خبرگان ناصب ولی فقیه نمی باشند که ادعا شود، نصب شده باید تابع نصب کننده باشد، طبق اصول قانون اساسی و آئین نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری، ولی فقیه تا زمانی که شرایط لازم رهبری را دارا می باشد، بر اعضای مجلس خبرگان رهبری فرض است که در امور حکومتی و مناسبات سیاسی- اجتماعی از ولی فقیه، تمکین، تبعیت و اطاعت نمایند.

۱۹- احکام حکومتی ولی فقیه چگونه صادر می شود؟

ما سه نوع احکام داریم، اول: احکام اولیه که در حالت طبیعی می بایست اجرا شود و هیچ مانعی در اجرای آنها وجود ندارد مثل نماز، روزه، خمس و... دوم: احکام ثانویه: که در حالت اضطرار، عسر و حرج و حالت غیرطبیعی اجرا می شود که موقت بوده و تا رفع اضطرار و عسر و حرج دوام دارد و پس از عبور از این دوران به حالت طبیعی بازمی گردد. برای نمونه، لمس کردن بدن زن نامحرم در حالت اولیه حرام و جایز نیست، چنانچه زنی در خیابان تصادف کند و نیاز به کمک داشته باشد، برای نجات او و انتقال به بیمارستان، لمس بدن او در اینگونه موارد اضطراری برای حمل و انتقال به مراکز درمانی حرام نیست، بلکه کمک به این زن واجب بوده، ترک کمک جایز نیست. این احکام همانطور که بیان شد، موقت و تا دفع اضطرار و عسر و حرج ادامه دارد آنها هم به اندازه نیاز نه بیشتر.

سوم: احکام حکومتی: این احکام برای جلوگیری از رسیدن به بن بست و بر مبنای مصلحت نظام اسلامی توسط ولی فقیه صادر می شود و اداره نظام اسلامی با اینگونه احکام تقویت می شود. همه مردم حتی فقها و مراجع بزرگوار می بایست تابع اینگونه احکام حکومتی بوده و باید به اجرای آن کمک کنند. تنها مرجع تشخیص مصلحتها و صدور احکام حکومتی ولی فقیه می باشد.

۲۰- فصل الخطاب به چه معنا و آیا مختص ولی فقیه می باشد؟

یعنی: حرف آخر را زدن، قطع کردن نزاعها و اختلافات، حکم نهائی و پایانی را صادر کردن. قانون به نوعی می تواند فصل الخطاب باشد منتهی ممکن است قانون هم تفسیر به رای شود، در نظام اسلامی، حرف آخر را زدن مختص ولی فقیه است. منصب قضاوت و فصل خصومت در اصل از آن خداوند، پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) است که در عصر غیبت به عهده فقها گذارده شده و آنان از سوی امام معصوم (ع) به این مقام منصوب شده اند و مردم موظفند در مخاصمات و امور حقوقی به آنان مراجعه کرده، حکم آنان را که مطابق با احکام الهی است، بپذیرند، زیرا در این جهت، ولایت برای فقیه ثابت است. چنانچه در کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی، ابی خدیجه

از امام صادق (ع) نقل می کند که فرموده است: «فانی قد جعلته علیکم قاضیاً - زیرا من او را قاضی قرار دادم.» در فصل یازدهم قانون اساسی، بخش عمده ای از فصل خصومت به قوه قضائیه سپرده شده که ولی فقیه با نصب رئیس قوه قضائیه به فعالیت آنها مشروعیت می دهد. طبق ردیف ۷ و ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه و حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست در کل به رهبری بعنوان فصل الخطاب سپرده شده است. این فصل الخطاب گاهی بخش تنزل یافته اش توسط نیروهای پلیس هم اعمال می گردد، برای نمونه طبق آئین نامه راهنمایی و رانندگی، عبور از چراغ قرمز جرم است، منتهی گاهی برای رفع ترافیک و مشکل ایجاد شده، پلیس حاضر می تواند برای روان ساختن عبور و مرور، دستور دهد خودروها از چراغ قرمز عبور کنند. ولی فقیه در بعد کلان این اختیار را دارد که برای رفع، قطع و خاتمه دادن نزاعها، اختلافات و برداشتهای شخصی و... حرف آخر را بزند و بر همه مردم لازم است از آن تبعیت نمایند.

در سوره نساء، آیه ۶۵ در این رابطه آمده است: «نه، سوگند به پروردگارت که ایمان نیاورده اند مگر آنکه در نزاع میان خود، تو را داور قرار دهند و از حکمی که تو می دهی هیچ دلگیر نشوند و تسلیم محض باشند.»

امام صادق (ع) می فرمایند: «از داوری بپرهیزید، زیرا حکومت و قضاوت از آن امامی است که به مسائل قضاوت، آگاه و در میان مسلمانان، عادل باشد مثل پیامبر وصی او - وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۲۰»

۲۱ - آیا ولی فقیه باید از سادات انتخاب شود یا غیر سادات هم می تواند ولی فقیه باشد؟

ولی فقیه باید شایسته ترین و اشبه ترین افراد به معصوم باشد. طبق اصل ۱۰۹ قانون اساسی که بر مبنای قواعد فقهی و شرعی ترسیم شده در باب صفات و شرایط ولی فقیه، صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه، عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری قید شده و در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قویتر باشد، مقدم است.

چنانچه کسی در فقه قوی تر باشد منتهی در شرایط دیگر ضعیف تر، نمی تواند به بهانه قوی تر بودن در فقه، به رهبری برسد بلکه کسی که در مجموع صفات برجستگی داشته باشد برای رهبری مقدم است.

پس سیادت نمی تواند شرط اصلی رهبری باشد، شایستگی در شرایط و صفات اصل است، حال دارنده می خواهد از سادات باشد یا غیر سادات فرقی نمی کند، مگر قائم مقام معزول رهبری از سادات بودند؟

بعضی از فقها نظر می دهند، در صورت یکسانی تمامی شرایط و صفات در دو نفر، آنکه سید است اولویت دارد و اگر در سیادت هم مساوی بودند، آنکه زیباتر است مقدم است. البته این مورد در بحث مرجعیت طرح شده و سعی نموده اند در کنار شایستگی اصلی، جذابیت ها را هم بر آن بیافزایند.

۲۲ - آیا زنان هم می توانند، به سمت ولایت فقیه دست پیدا نمایند؟

با توجه به تفاوتی که در میان زنان و مردان وجود دارد که قابل کتمان و نفی نمی باشد و مسئولیت سنگین رهبری که متناسب با روحیه لطیف و احساسی و مهرورزانه زنان نمی باشد، اکثریت مطلق فقهای اسلام معتقدند، زنان نمی توانند، ولی فقیه شوند، خود قرآن کریم هم فرموده است: «الرجال قوامون علی النساء... - مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است آن برتری (نیرو) که خدا بعضی را بر بعضی مقرر دانسته و هم بواسطه آنکه مردان از مال خود باید بزنان نفقه دهند پس زنان شایسته و مطیع آنهایند... - سوره نساء آیه ۳۴» بر مبنای تفاوتها، زنان نمی توانند بر مردان ولایت پیدا نمایند. برای نمونه و بر مبنای تفاوتهای زن و مرد، در جنگ و دفاع مردان برای به میدان رفتن بر زنان مقدم دانسته شده اند چون جنگ با روحیه عاطفی و مهربانه زنان سازگاری ندارد. فرمان جنگ و صلح و فرماندهی کل قوای مسلح به ولی فقیه سپرده شده است که با روحیه زنان سازگاری ندارد. البته زنان می توانند به درجه اجتهاد رسیده، فقیه شوند اما نمی توانند سمت ولایت مطلقه فقیه را عهده دار شوند. مبدا تحت تأثیر افکار شبهه ناک و انحرافی فمینیستی قرار گرفت و تفاوتهای میان زن و مرد را که هم در خلقت و هم در جسم و روح مشهود است انکار و نفی نمود. در فرامین الهی حکمتی است و بر این حکمتها خیر بشریت که نباید از آنها غافل بود. قانون اساسی و آئین نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری هم بر مبنای تفاوتها و دستورات شرع، تصدی مسئولیت ولایت فقیه برای زنان را نفی نموده، جایز نمی داند.

۲۳ - چرا انتخاب ولی فقیه را مثل ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس و شوراهای اسلامی دوره ای و مدت دار نمی کنند؟

با توجه به اینکه ولی فقیه باید دارای صفات و شرایطی بوده تا لیاقت و شایستگی نصب عام از طرف امام معصوم (ع) را پیدا نماید، وقتی نصب عام صورت گرفت، تا زمانی که شرایط لازم و کافی رهبری را داشته باشد، شرعاً و قانوناً سمت رهبری متعلق به او می باشد و نمی

توان با دوره ای و مدت دار نمودن این سمت را به کسی واگذار نمود که شایستگی کمتری دارد. چنانچه فردی پیدا شود که از هر لحاظ شایستگی و برجستگی بیشتری دارد، وظیفه و تکلیف مجلس خبرگان رهبری است که موضوع را بررسی و آنکه شایسته تر است را معرفی نمایند.

تشخیص این امر به خبرگان ملت سپرده شده که آنها بر اساس موازین شرعی و قانونی به وظیفه خود عمل کنند. جایگاه ولایت فقیه، محل سهم خواهی احزاب و گروههای سیاسی نیست که هر از دوره ای به یک جناح سیاسی واگذار شود، ولایت فقیه فوق جناح بندیهای سیاسی بوده، ناظر بر آنها و محور وحدت آنهاست. پس تا زمانی که ولی فقیه شرایط و صفات لازم را داشت به نصب عام توسط امام معصوم (ع) به رهبری گمارده می شود. چنانچه شرایط و صفات خود را از دست داد، کنار گذاشته می شود و نیاز به مدت و دوره ای مشخص ندارد. برای نمونه اگر صبح خبرگان رهبری، کسی را برای رهبری شایسته دانستند و بعد از ظهر دلائل و اسنادی بدست آورد که شرایط لازم و کافی را نداشته یا اشتباه کرده اند، سریعاً برکنار می شود اگرچه تشخیص نصب و عزل تنها یک روز باشد. با توجه به این موارد بحث دوره ای و مدت دار نمودن مسئولیت ولایت فقیه قابل دفاع نبوده و نیست.

مجلس خبرگان رهبری، مسئولیت تشخیص نصب و عزل را بعهدده دارد و نصب و عزل عام ولی فقیه از ناحیه امام معصوم (ع) صورت می گیرد نه از طریق خبرگان رهبری که مرجع کشف و تشخیص می باشند.

۲۴- ولی فقیه می تواند بخشی از وظایف و مسئولیتهای خود را به دیگران تفویض نماید؟

طبق ردیف ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهبر می تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند. تا کنون بخشی از وظایف و اختیارات رهبری به نهادهائی مثل مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزارت کشور و... تفویض شده است. برای نمونه، اداره نیروی انتظامی بعنوان جانشین فرماندهی کل قوا در نیروی انتظامی بعضاً برای سهولت در کارها به وزارت کشور تفویض شده، می شود یا خواهد شد.

۲۵- چگونه است که تعدادی از ائمه جمعه و نمایندگان ولی فقیه در سراسر کشور بعنوان نماینده مجلس خبرگان عضو بوده، در

حالی که منصوب رهبری هستند، برای تعیین رهبری تصمیم می گیرند؟

اولاً: برای عضویت در مجلس خبرگان رهبری، امام جمعه یا نماینده ولی فقیه بودن شرط انتخاب نیست، هر فقیه‌ی حق دارد کاندید شود و مردم حق دارند که به هر کسی که تشخیص دادند صلاحیت و شایستگی لازم را دارد، رای دهند. ای بسا بسیاری از ائمه جمعه و نمایندگان ولی فقیه، کاندید عضویت در مجلس خبرگان رهبری شوند و رای لازم را برای عضویت بدست نیاورند. نمی توان بخاطر امام جمعه یا نماینده ولی فقیه بودن، حیطة آزادی انتخابات را محدود نمود. خبرگان باید نماینده واقعی مردم باشند و رای آنها تعیین کننده است نه سمتهای کاندیداها.

ثانیاً: از ۸۵ عضو مجلس خبرگان رهبری سراسر کشور، بیش از ۵۰ نفر آنها نه امام جمعه می باشند و نه نماینده ولی فقیه. ملاک انتخاب اعتماد و اطمینان مردم است و شرایط لازم نمایندگی است که بر مبنای قوانین چرخه انتخابات را تکمیل می کند.

۲۶- آیا در قانون اساسی بحث شورای رهبری مطرح نشده است؟

در قانون اساسی اولیه، قبل از بازنگری بحث رهبری یا شورای رهبری و انتخاب رهبری از میان مراجع مطرح شده بود منتهی بفرمان امام خمینی (ره) طبق اصل ۱۷۷ که ترتیب بازنگری قانون اساسی را ترسیم نموده است، در بازنگری قانون اساسی، لفظ شورای رهبری و شرط مرجعیت رهبری حذف شد. چون مشکلاتی را ایجاد می کرد که نه تنها منشأ وحدت نظام اسلامی نمی شد بلکه ممکن بود اختلاف نظرات متفاوت و مغایر با یکدیگر، شیرازه نظام اسلامی و نوپای ایران را از هم بپاشد. در بازنگری قانون اساسی شورای قضائی هم حذف شد، پست نخست وزیری هم حذف شد زیرا مردم به رئیس جمهور رای می دادند و آنوقت قدرت و اختیار در دست نخست وزیری بود که منتخب مستقیم مردم نبود. امت نسبت به امامت و ولایت علاوه بر ارتباط متقابل فکری و عقلی، یک سری ارتباطات عاطفی و احساسی برقرار می کند که در صورت شورائی بودن این باب مسدود می گشت. در قانون اساسی تنها در یکجا بصورت موقت شورای رهبری را پذیرفته و آن طبق اصل ۱۱۱ قانون اساسی، در صورت فوت، کناره گیری یا عزل رهبر تا انتخاب رهبر جدید، شورائی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می گیرد و پس از انتخاب و معرفی رهبری توسط مجلس خبرگان رهبری، این شورا سریعاً منحل می گردد.

۲۷- طبق قانون اساسی ولی فقیه می تواند رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه را در صورت لزوم عزل نماید، آیا رهبری می تواند در

صورت لزوم مجلس شورای اسلامی را منحل و انتخابات مجدد برگزار نماید؟

طبق اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای حاکم در جمهوری اسلامی که عبارتند از، قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه اگر چه مستقل از یکدیگرند، زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت فعالیت می نمایند. مشروعیت هر سه قوه توسط ولی فقیه اعمال می گردد. چنانچه بنابر عللی رضایت ولی امر مسلمین را از دست بدهند، مشروعیت نداشته، نمی توانند به کار خود ادامه دهند. چنانچه عملکرد مجلس شورای اسلامی مورد تأیید و رضایت ولی فقیه نباشد و عملکردشان برای نظام اسلامی تبدیل به معضل شود، از آنجائیکه طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست با مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام به عهده رهبری است لذا، ولی فقیه برای حل و فصل و رفع معضل می تواند، مجلس را منحل و انتخاب مجدد اعلام نماید. البته این یک فرض و احتمال است منتهی از آنجائیکه با حضور ولی فقیه ما هیچ بن بستى نخواهیم داشت این فرض را مطرح کردیم. پس رفع و حل معضلات نظام از وظایف قانونی رهبری است و ولی فقیه به طریقی که خود صلاح می داند، می تواند با عزل و انحلال در رفع و حل و معضل اقدام نماید.

۲۸- اعمال مشروعیت ولی فقیه در مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی چگونه صورت می گیرد؟

این سه شورا در واقع بازوی مشورتی ولی فقیه به حساب می آیند و خبرگان و نخبگان ملت در آنها جمع و با نظرات و پیشنهادهاى کارآمد به رهبری یاری می رسانند.

طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی، اعضای ثابت و متغیر مجمع تشخیص مصلحت نظام را مقام رهبری تعیین می نماید و مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری می رسد و از این طریق اعمال مشروعیت صورت می گیرد.

طبق اصل ۱۷۶ قانون اساسی علاوه بر اینکه دو نماینده رهبری عضو ثابت شورای عالی امنیت ملی می باشند، مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا است. اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی توسط مقام رهبری انتخاب و آئین نامه داخلی آن پس از تأیید مقام رهبری عملیاتی می گردد. در هر سه شورای مشورتی، اعمال مشروعیت ولی فقیه صورت گرفته و می گیرد.

۲۹- در صورت تعارض فتوای ولی امر مسلمین، با فتوای مرجعی در مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وظیفه شرعی مسلمین چیست؟

در مسائل متعلق به اداره کشور و قضایایی که به عموم مسلمین ربط دارد، نظر ولی امر مسلمین باید متابعت شود. هر مکلفی باید از نظر مرجع تقلیدش در مسائل شخصی و فردی پیروی داشته باشد. در امور حکومتی و مناسبات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی، فتوی و نظر ولی فقیه بر فتوی و نظرات مراجع بزرگوار تقلید مقدم است حتی خود مراجع هم می بایست از نظریات ولی امر مسلمین تبعیت نمایند. مقاومت در برابر حکم و تصمیمات سیاسی - اجتماعی ولی فقیه بعنوان فصل الخطاب نظام اسلامی بر هیچ فردی جایز نیست و نمی توان به بهانه اختلاف فتوی و نظر، اقتدار احکام و نظریات ولی فقیه شکسته و زمین گذاشته شود. در آثار امام راحل و فقیه (ره) و مقام معظم رهبری بصورت مفصل اینگونه مباحث طرح شده که می توان به آنها رجوع نمود.

۳۰- می گویند، اجتهاد ولی فقیه باید مطلق باشد، فرقی با اجتهاد متجزی چیست؟

اگر مجتهد توانایی استخراج حکم شرعی را در تمامی ابواب فقه از طهارت تا حدود و دیات و... را داشته باشد، اینگونه اجتهاد را، اجتهاد مطلق گویند.

اگر مجتهد توانایی استخراج حکم شرعی را در بعضی از ابواب فقه مانند طهارت یا صلاه و یا جهاد و... را داشته باشد، اجتهاد متجزی است و شامل همه ابواب فقه نمی شود. در اصل ۱۰۹ قانون اساسی، صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه برای ولی فقیه در نظر گرفته شده است و کسی که اجتهاد مطلق دارد می تواند بعنوان مرجع تقلید هم در نظر گرفته شود. ولی فقیه ضمن دارا بودن صلاحیت علمی با حمایت و تأیید فقهای مجلس خبرگان رهبری، برای مرجعیت با اعتماد و اطمینان تر و امین تر از همه می باشد.

۳۱- در نظامی که ولی فقیه حاکم است، اقلیتهای دینی، مسیحی، یهودی و زرتشتی هم باید از ولی فقیه اطاعت و تبعیت نمایند؟

در بعد دینی و انجام اعمال و مناسک، اقلیتهای دینی می بایست بر مبنای اعتقادات خود عمل نمایند و نیاز نیست در اعمال فردی و دینی خود از ولی فقیه تبعیت نمایند. منتهی چون در ایران اسلامی زندگی می کنند و کشور دارای قانون اساسی می باشد، اقلیتهای دینی باید در مناسبات سیاسی - اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... از قوانین کشوری تبعیت نمایند. تصمیمات و احکام حکومتی - سیاسی و اجتماعی و... ولی فقیه برای تمامی کسانی که در نظام اسلامی ایران زندگی می کنند لازم الاجرا است و تخلف از آن جرم و غیر قانونی است. پس اقلیتهای دینی در انجام فرائض فردی آزادند طبق آئین خود عمل کنند منتهی در امور سیاسی و اجتماعی باید تابع مقررات و ضوابط قانونی نظام باشند و از آنها تخلف نکنند.

تهیه و تنظیم: ممدرضا هاجری